

بازخوانی مدارک و اسناد شأن نزول آیه ولایت

ابن جریر طبری حدیث دوم را عینا با همین سند به گونه‌ای دیگر نقل کرده و در آن تصریح دارد تنها آیه ۵۱ این سوره درباره

عباده بن الصامت نازل شده است . طبری روایت سومی را با سند خود از عطیه بن سعد نقل می‌کند، در این حدیث عطیه

ضمن شرح داستان عباده بن الصامت و عبد الله بن ابی تصریح می‌کند که تنها آیات ۵۱ و ۵۲ درباره اوست.



فتح الله نجارزادگان

تفاوت اساسی دیدگاه‌های فریقین درباره آیات ۵۵ و ۵۶ سوره مائده (که به آیات ولایت نامبردارند) به موضع آنان نسبت به

مورد نزول این آیات درباره تصدق انگشتر در رکوع نماز به وسیله امام علی - علیه السلام - وابسته است ؛ چه این که بیش تر

شبهه‌ها و نقدها درباره استدلال به این آیات بر امامت امام علی - علیه السلام - نیز، ناشی از نادیده گرفتن این روایات و یا

تردید در صحت آن هاست . اگر روایاتی که فریقین درباره نزول این آیات آورده اند، تحلیل و بررسی شوند، خود به خود بیش

تر این تردیدها رخت بر می‌بندد . بنابر این ، پرداختن به اسناد و متون این احادیث در این بحث اهمیت به سزایی دارد.

از نظر شیعه جای هیچ تردیدی نیست که آیات ۵۵ و ۵۶ سوره مائده درباره امام - علی علیه السلام - نازل شده است ،

هنگامی که انگشتر خود را در نماز به فقیر صدقه دادند (۱) . این حادثه در منابع اهل سنت نیز، از چندین نفر از صحابه و

تابعین و گاهی هر کدام با چند طریق نقل شده است . در برخی از این منابع، اسناد و طرق گوناگون نقل این حادثه بالغ بر

۲۶ طریق می‌شود (۲) . از جمله افراد از صحابه که این حادثه را نقل کرده اند عبارتند از: امام علی - علیه السلام - (۳) ،

عبد الله بن عباس (۴) ، ابو رافع مدنی (۵) ، عمار بن یاسر (۶) ، ابو ذر غفاری (۷) ، انس بن مالک (۸) ، جابر بن عبد الله (۹) ،

مقداد بن الاسود (۱۰)، و عبد الله بن سلام (۱۱).

از تابعین نیز، سلمه بن كهیل (۱۲)، عتبه بن ابی حكیم (۱۳)، سدی (۱۴)، مجاهد (۱۵) و... به نقل این حادثه پرداخته اند. آنان نیز تصریح کرده اند که این آیه در خصوص امام علی - علیه السلام - نازل شده است.

در برخی منابع اهل سنت به دو روایت از امام ابو جعفر باقر - علیه السلام - اشاره می کند که از ایشان پرسیدند، مراد خدا از «الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة وهم راکعون» چه کسی است؟ امام فرمودند:

«الذین آمنوا» قیل له، بلغنا انها نزلت فی علی بن ابی طالب قال: «علی من الذین آمنوا».

«آنان مؤمنان هستند» گفته شد: ما شنیده ایم که این آیه درباره علی بن ابی طالب نازل شده است «امام فرمودند: [آری]

امام علی هم از مؤمنان است. (۱۶)

این حدیث نشان می دهد چنین اندیشه ای در آن عصر رایج بوده که این آیه درباره امام علی - علیه السلام - است و امام باقر

- علیه السلام - هرگز آن را انکار نکرده اند (هر چند عمومیتی که امام در آیه قایل اند در اندیشه و شیعه تفسیر خاص خود را

دارد و تنها بر ائمه معصومان - علیهم السلام - تطبیق می شود (۱۷). محمد بن عبد الله اسکافی (م: ۲۴۰ ق) نیز تصریح دارد

آیات ولایت درباره امام علی - علیه السلام - نازل شده است (۱۸). نیشابوری در تفسیرش (۱۹) و ایجی در مواقف (۲۰)،

نزول این آیه را درباره امام علی، اجماع مفسران می شمردند.

«آلوسی» نیز نوشته است: «غالب اخباریین بر این باورند که این آیه درباره علی - کرم الله وجهه - نازل شده است و حاکم

نیشابوری و ابن مردویه و دیگران با سند متصل، از ابن عباس [و دیگران] این حادثه را نقل کرده اند. (۲۱)

سپس آلوسی اشعار معروف حسان بن ثابت را که درباره این واقعه سروده، آورده است. (۲۲)

سیوطی نیز پس از آن که برخی از طرق این حدیث را در کتاب لباب النقول آورده، نوشته است: «این ها طرق این حدیث اند

که یکدیگر را تقویت می کنند [و اصل این ماجرا را به اثبات می رسانند. (۲۳)]

ابن حجر عسقلانی نیز در الکافی الشافی فی تخریج احادیث الکشاف به برخی از طرق این حدیث اشاره می کند و تنها در

طریق ابن مردویه به عمار یاسر و ثعلبی به ابو ذر مناقشه می کند (۲۴).

ابن کثیر که در تفسیر خود به بررسی صحت و سقم اسانید این حادثه پرداخته است، نخست از چند طریق، این واقعه را بیان می کند و تنها در سند حافظ «ابو بکر احمد بن موسی بن مردویه» معروف بن ابن مردویه (م: ۴۱۰ ق) و سند حافظ «عبد الرزاق بن همام» (م: ۲۱۱ ق) مناقشه می کند (۲۵). سپس بدون آن که بر اسانید دیگر خرده بگیرد چنین می گوید: «تمام این آیات [آیات ۵۱ تا ۵۶ از سوره مائده] درباره داستان عبادۀ بن صامت است که از هم پیمانی با یهودیان سر باز زد و به ولایت خدا و پیامبر و مؤمنان رضایت داد.» (۲۶)

ماجرای عبادۀ بن صامت که ابن کثیر و دیگران نقل کرده اند به این شرح است:

«چون رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - با یهودیان بنی قنیقاع جنگیدند . . . عبادۀ بن صامت که یکی از بنی عوف بن خزرج و هم پیمان آنان بود . . . به نزد رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - شتافت و گفت: ای رسول خدا! به خدا و رسولش [پناه برده] از پیمان با آنان بیزاری می جویم و ولایت خدا و رسول و مؤمنان را می پذیرم و از هم پیمانی با کفار و ولایت آنان بیزارم در این هنگام آیات «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الیهود و النصارى اولیاء . . .» نازل شد.» (۲۷)

بنابر این، اگر چنین داستانی درباره عبادۀ بن صامت باشد، بین نزول آیاتی که پیش از آیه مورد بحث (آیه ۵۵ سوره مائده) است و گفته شده درباره وی نازل شده است، با حادثه تصدق انگشتر به وسیله امام علی - علیه السلام - هیچ منافاتی نیست. افزون بر آن ابن کثیر برای این مدعای خود که تمام آیات ۵۱ تا ۵۶ سوره مائده درباره عبادۀ بن صامت است، تنها دو روایت آورده است:

1- به نقل از محمد بن جریر طبری که با سند خود از زهری نقل کرده که گفته است: «آیات ۵۱ تا ۶۷ درباره عبادۀ بن صامت در تبری از یهود و عبد الله بن ابی در باقی ماندنش بر ولایت یهود نازل شده است.» (۲۸)

2- باز با سند طبری به نقل از عبادۀ بن ولید حفید عبادۀ بن صامت که می گوید آیات ۵۱ تا ۵۶ درباره عبادۀ بن الصامت و عبدالله بن ابی نازل شده است (۲۹).

ابن جریر طبری حدیث دوم را عینا با همین سند به گونه ای دیگر نقل کرده و در آن تصریح دارد تنها آیه ۵۱ این سوره درباره عبادۀ بن الصامت نازل شده است (۳۰).

طبری روایت سومی را با سند خود از عطیه بن سعد نقل می کند، در این حدیث عطیه ضمن شرح داستان عبادۀ بن الصامت و عبد الله بن ابی تصریح می کند که تنها آیات ۵۱ و ۵۲ درباره اوست (۳۱).

باز طبری با همان سند از عطیه بن سعد حدیثی دیگر نقل می کند که در آن آیات ۵۵ و ۵۶ را هم در داستان عبادۀ بن الصامت داخل می داند (۳۲).

طبری درباره آیات ۵۱ و ۵۲ شان نزول های دیگری نیز آورده است از جمله: نزول این آیات درباره ابی لبابه و یا به قول سدی درباره دو نفر که یکی از آنان می خواست به یهودیان بپیوندد و دیگری به نصارای دمشق، آن گاه طبری می گوید:

«این آیه (آیه ۵۱) ممکن است درباره عبادۀ بن صامت و عبد الله بن ابی و هم پیمانانشان با یهود نازل شده باشد و ممکن است درباره ابی لبابه باشد و نیز ممکن است درباره دو مردی باشد که یکی می خواست به یهودیان و دیگری به نصاری بپیوندد، لیکن درباره هیچ کدام از این اقوال سه گانه خبری صحیح در دست نیست تا حجت آورد و به آن اعتماد شود.»

افزون بر آن، هیچ کس از دانشمندانی که اسباب نزول نگاشته اند آیات ولایت (آیات ۵۵ و ۵۶) را درباره عبادۀ بن صامت نقل نکرده اند، بلکه تنها آیات ۵۱ و ۵۲ را درباره وی می دانند (۳۳) و وجود آیه درباره ارتداد از دین: «یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یاتی الله بقوم . . .» (آیه ۵۴) در بین آیات ۵۱ و ۵۲ و آیات ولایت (آیات ۵۵ و ۵۶)، نیز گواه همین مطلب است، چون داستان عبادۀ بن صامت با مساله ارتداد ارتباطی ندارد.

حاصل آن که، روایات درباره شان نزول آیات ولایت درباره عبادۀ بن الصامت روایاتی متعارض با نقل از افرادی مانند زهری، سدی، عبادۀ بن ولید است، آنان از تابعین هستند و خود شاهد ماجرا نبوده اند و شاهی هم از قرآن برای آن نیست. بنابراین، تمسک این کثیر به این دو روایت متعارض وجهی ندارد و نمی توان از آن همه روایت متواتر که در شان نزول آیات ۵۵ و ۵۶ درباره امام علی - علیه السلام - است و از جمعی از صحابه نقل شده و خود شاهد ماجرا بوده اند و نیز احادیثی متعدد از تابعین در این باره چشم پوشید (۳۴).

از جمله احادیثی که خود ابن کثیر از ابن ابی حاتم درباره شان نزول این آیات درباره امام علی - علیه السلام - آورده حدیثی است از سلمۀ بن کهیل که از تابعین است و در سند آن جای هیچ مناقشه نیست و به زودی در نقد دیدگاه ابن تیمیه مطرح

خواهد شد.

فخر رازی نیز درباره تعیین مصداق «... الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة وهم راکعون» نوشته است: «در این

جا دو قول در میان است:

قول اول: مراد از این آیه تمام مؤمنان هستند؛ چون عباده بن صامت هنگامی که از یهود بیزاری جست و گفت: من ولایت خدا

و رسولش را بر می‌گزینم این آیه بر وفق سخن او نازل شد. چنان که روایت شده عبد الله بن سلام به رسول خدا - صلی الله

علیه و آله - گفت: «ای رسول خدا! قوم ما، ما را ترک کرده و سوگند یاد کرده اند که با ما مجالست نکنند و ما نمی‌توانیم با

یاران شما همنشین باشیم؛ چون منزل‌های ما دور است. پس این آیه نازل شد و عبد الله بن سلام گفت: به ولایت خدا و

رسولش و مؤمنان، خوشنودیم. بنابراین، آیه عمومیت دارد و شامل همه مؤمنان می‌شود.» (۳۵)

سپس فخر رازی ناگزیر جمله حالیه «... وهم راکعون» را چنین توجیه می‌کند: مراد از رکوع، خضوع است یا این که مراد از

«یقیمون الصلوة»، بیان شایسته و ذکر رکوع جهت شرافت است و یا بگوییم صحابه در هنگام نزول این آیه در حالت‌های

گونگون بودند، برخی نماز گزارده بودند، برخی از فقیر دستگیری می‌کردند و برخی نیز در حال نماز و رکوع بودند. بنابراین،

خداوند به تمام افراد با این صفات و حالات اشاره کرده است! پس از آن فخر رازی، به بیان قول دوم پرداخته نوشته است:

«قول دوم: مراد از این آیه شخص معینی است و درباره آن چند نظر است:

الف: عکرمه گفته است این آیه درباره ابا بکر نازل شده است.

ب: عطا از ابن عباس نقل کرده که این آیه درباره علی بن ابی طالب - علیه السلام - نازل شده است و نیز روایت شده که چون

این آیه نازل شد، عبد الله بن سلام به رسول خدا [صلی الله علیه و آله وسلم] گفت: «من علی [علیه السلام] را در حال رکوع

دیدم که انگشترش را به نیازمند صدقه داد. پس ما ولایت وی را می‌پذیریم» از ابو ذر - رضی الله عنه - نیز روایت شده که

گفته است: «با رسول خدا - صلی الله علیه و آله] و سلم. نماز ظهر گزاردیم و نیازمندی در مسجد چیزی خواست و کسی به

او کمک نکرد... و علی - علیه السلام - در حال رکوع به انگشت کوچک که در آن انگشتری بود اشاره کرد و سائل آن را در

آورد... و رسول خدا مشغول دعا شدند و به خدا سوگند هنوز دعای ایشان پایان نیافته بود که جبرئیل نازل شد و گفت یا

محمد ! [صلی الله علیه و آله و سلم] بخوان: «انما ولیکم الله و رسوله . . .» (۳۶) .

فخر رازی در واقع ، با خلط مباحث با یکدیگر، این دو قول را ساخته است ؛ چون گذشته از توجیهاات غیر قابل قبول درباره

جمله «وهم راکعون » ، همان طور که ملاحظه کردید، ماجرای عبادۀ بن صامت با نزول آیه ولایت درباره امام علی - علیه

السلام - منافاتی ندارد و روایتی که از عبد الله بن سلام در تایید قول اول نقل می کند بخشی از همان روایتی است که در قول

دوم از همان عبد الله بن سلام آورده و هر دو یک روایت از یک ماجراست (۳۷) .

حدیث عکرمه نیز حدیثی مقطوع، شاذ یا متروک است و هیچ کدام از ارباب تفاسیر روایی و شان نزول نویسان مانند طبری،

سیوطی، واحدی و دیگران آن را نیاورده اند.

حاصل آن که ، در مجموع، هیچ کس از مفسران و محققان شیعه و اهل سنت، نزول آیات ولایت را درباره امام علی - علیه

السلام - بافته دروغگویان نشمرده اند ، هر چند در نوع تفسیر و تلقی از این ماجرا در بین فریقین تفاوت های چشمگیری است

. تنها و نخستین کسی که باصراحت رخداد تصدق انگشتر را منکر است و ادعای می کند احادیث درباره آن دروغ و ساختگی

است احمد بن عبد الحلیم ، معروف به ابن تیمیه (م: ۷۵۸ ق) است که سخنش برای دیگران (۳۸) به ویژه افرادی که از تیره

وهابیان می باشند (۳۹) ، الگو شده است.

ابن تیمیه در نقد آرا حسن بن یوسف مطهر، معروف به علامه حلی (م: ۷۶۲ ق) به شدت بر این روایات خرده گرفته و ادعا می

کند: «حادثه تصدق انگشتر به وسیله امام علی - علیه السلام - افسانه ساختگی است و در هیچ کتابی از کتاب های مورد

اعتماد از صحاح، سنن، جوامع، معجم ها و کتاب های مرجع، چنین خبری، وجود ندارد!» (۴۰) ابن تیمیه بر اساس همین

ادعا، اشکال های متعددی را بر نحوه استدلال شیعه به این آیات مطرح کرده است (۴۱) .

پس از ابن تیمیه، ابن کثیر (م: ۷۷۴ ق) بر این شیوه، گام نهاده و با نقد بخشی از اسانید روایات این حادثه (۴۲) به نقد متون

این روایات پرداخته و نوشته است: «برخی از مردم چنین می پندارند که جمله «. . . وهم راکعون » در موضع حال برای دفع

زکات است، اگر چنین بود، دفع زکات در حال رکوع، مورد مدح و برتر از حالت های دیگر خواهد بود، در حالی که چنین

نیست و کسی از دانشمندان اهل فتوا - تا آن جا که ما می شناسیم - به آن فتوا نداده است. « (۴۳)

«شوکانی» نیز با اشاره به بخشی از آن روایات نوشته است: «زکات دادن در حال نماز روا نیست.» (۴۴)

ذهبی نیز پس از تقدیر از تفسیر مجمع البیان و مؤلف آن، احادیث متعددی که طبرسی از فریقین در شان نزول این آیه آورده است را، ذکر می کند و بدون خرده گیری به نحوه استدلال طبرسی تنها با این جمله بحث را پایان می دهد: «بدون تردید این تلاش بی ثمر است، حدیث تصدق انگشتر از سوی [امام] علی [علیه السلام] در نماز، که محور استدلال طبرسی است، حدیثی ساختگی، بدون ریشه است و ابن تیمیه عهده دار رد و ابطال آن می باشد.» (۴۵)

محمد شاکر نیز ضمن تایید دیدگاه ابن کثیر در ضعف اسانید روایات در این باره، این روایات را از بافته های شیعه می شناسد (۴۶)!!

اکنون ببینیم مناقشه های ابن تیمیه درباره این رخداد چیست، و چگونه پاسخ داده می شود. ابطال مناقشه های ابن تیمیه در واقع، به معنی پایان دادن به تمام اشکال هایی است که در این باره مطرح شده است؛ چون دیدگاه وی الگوی تمام کسانی است که پس از او به مناقشه و اشکال درباره تصدق انگشتر به وسیله امام علی - علیه السلام - و نزول آیات ولایت پرداخته اند.

ابن تیمیه در نقد بحث روایی این حادثه نوشته است: «این که رافضی [حسن بن یوسف، علامه حلی] می گوید: دانشمندان اجماع دارند این آیه درباره علی [علیه السلام] است از بزرگ ترین ادعاهای دروغین است بلکه اجماع اهل علم از ناقلین، بر این است که این آیه در خصوص علی [علیه السلام] نازل نشده و او انگشتر خود را در نماز صدقه نداده است. اجماع اهل علم از محدثان نیز بر این است که این داستان دروغی و ساختگی است. اما آن چه که رافضی [علامه حلی] از تفسیر ثعلبی نقل کرده است [یعنی حدیث ثعلبی با سند خود از ابو ذر که می گوید: این آیه درباره امام علی - علیه السلام - در حین تصدق انگشتر به نیازمند نازل شد]. اهل علم از محدثان بر این قول اند که ثعلبی احادیث ساختگی را در تفسیرش می آورد... و از این روست که ثعلبی را (حاطب لیل) هیزم کش در شب می دانند و بغوی که حدیث شناس و آگاه تر از ثعلبی و واحدی نیشابوری است، هرگز در تفسیرش که مختصر تفسیر ثعلبی است، این احادیث دروغی را که ثعلبی نقل کرده، نیاورده است... با آن که ثعلبی دیندار است لیکن به صحیح و سقیم احادیث آگاه نیست و در بیشتر موارد بین سنت و بدعت تفاوتی نمی

گذارد. آنان که دانشمندان بزرگ و اهل تفسیرند مانند: محمد بن جریر طبری، بقی بن مخلد و ابن ابی حاتم و . . . این نوع احادیث ساختگی دروغی را نیاورده اند و ابن حمید و عبد الرزاق این حدیث را نقل نکرده اند، با آن که عبد الرزاق به تشیع گرایش دارد و از فضایل علی [علیه السلام] زیاد نقل کرده لیکن شان او برتر از آن است که این دروغ های آشکار را روایت کند.

[افزون بر آن] مفسرانی که رافضی [علامه حلی] از کتاب هایشان نقل کرده و نیز مفسرانی دیگر که از آنان آگاه ترند، روایاتی نقل کرده اند که این اجماع را نقض می کند، از جمله ثعلبی از ابن عباس آورده، این آیه درباره ابابکر است و باز او و ابن ابی حاتم از عبد الملک بن ابی سلیمان که می گوید از ابو جعفر [علیه السلام] درباره « . . . الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوۃ . . . » در آیه پرسیدم [حضرت] فرمود: «مؤمنان مرادند، گفتم: [مردم می گویند] این آیه درباره علی [علیه السلام] نازل شده [حضرت] فرمود: «علی [علیه السلام] از مؤمنان است» و همین معنی را ثعلبی از ضحاک و ابن ابی حاتم از سدی درباره این آیه نقل کرده اند و باز ابن ابی حاتم با سند خود از عبد الله بن عباس چنین می آورد: هر کس ایمان دارد، خدا و رسول و مؤمنان را به ولایت می پذیرد».

ادعاهای ابن تیمیه بی اساس است چون:

*اول:

ادعای اجماع علامه حلی - رحمه الله - درباره نزول این آیه در مورد تصدق انگشتر امام علی - علیه السلام - به نیازمندان، بی مبنا نیست؛ زیرا افزون بر ادعای اجماع نیشابوری (۴۷) و ایچی در این مساله، آن همه روایت از صحابه و تابعین کافی است تا در این باره ادعای اجماع معنوی شود.

*دوم:

ادعای اجماع اهل علم و محدثان بر این که این آیات در خصوص امام علی - علیه السلام - نازل نشده بی اساس است و مفسران، محققان و محدثان فریقین هیچ کدام چنین ادعایی ندارند.

*سوم:

جریان تصدق انگشتر را تنها ثعلبی با سند خود از ابو ذر نقل نکرده است، بلکه دانشمندانی دیگر مانند حاکم حسکانی (۴۸) (از دانشمندان قرن پنجم)، ابراهیم جوینی (۴۹) (م: ۷۳۰ ق) با سندهای خودشان و فخر رازی (۵۰) با تعبیر «روایت شده» از ابو ذر و دیگر صحابه این جریان را نقل کرده اند.

*چهارم:

کدام یک از اهل علم از محدثان گفته است ثعلبی احادیث ساختگی در تفسیرش آورده و او حاطب لیل (هیزم کش در شب) است؟ این ادعای ابن تیمیه است که ثعلبی را متهم می کند و او را ناآگاه به صحیح و سقیم، سنت و بدعت می شناسد. در حالی که - تا اندازه ای که ما جست و جو کردیم - جملگی دانشمندان وی را سخت ستوده اند، این کلام از ابن خلکان (م: ۶۸۱ ق) است که درباره وی می گوید: «وی در دانش تفسیر یگانه دوران خود بوده و تفسیری بزرگ نگاشته که بر تمام تفسیرها برتری دارد. غافر بن اسماعیل الفارسی در کتاب سیاق تاریخ نیشابور نام ثعلبی را آورده و وی را با این عبارات ستوده است: «هو صحیح النقل موثوق به»، «او درست گفتار و مورد اطمینان است.» (۵۱)

تاج الدین سبکی (۵۲) (م: ۷۷۱ ق)، صلاح الدین صفدی (۵۳) و جلال الدین سیوطی (م: ۹۱۱ ق) نیز همان تعبیر ابن خلکان را آورده اند و سیوطی افزوده است: «عالما بارعا فی العربیة حافظا موثقا، دانشمندی چیره دست در عربیت و حافظی مورد

اطمینان است.» (۵۴)

ابن جزری نیز درباره او عبارت «مفسر امام بارع مشهور، مفسری پیشوا، چیره دستی مشهور، به کار می برد.» (۵۵)

* پنجم:

بر خلاف ادعای ابن تیمیه که می گفت: بغوی که آگاه تر از ثعلبی است و تفسیرش مختصر تفسیر اوست، این احادیث دروغین را نیاورده است، بغوی در ضمن اقوال گوناگونی که درباره شان نزول این آیه می آورد (اقوالی که با شان نزول آیه درباره امام علی - علیه السلام - هیچ منافاتی ندارد همان طور که در نقد دیدگاه ابن کثیر و فخر رازی ملاحظه کردید) با صراحت نوشته است:

«و قال ابن عباس رضی الله عنهما و قال السدی: قوله «والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوٰة ویؤتون الزکاة وهم راکعون» ، اراد به علی بن ابی طالب رضی الله عنه، مر به سائل وهو راکع فی المسجد فاعطاه خاتمه».

«ابن عباس و سدی می گویند: خداوند از این آیه «والذین آمنوا...» علی بن ابی طالب [علیه السلام] را اراده کرده است،

نیازمندی به امام علی رسید و امام در حال رکوع در مسجد انگشترش را به او داد.» (۵۶)

* ششم:

تفسیر جامع البیان فی تاویل آی القرآن از محمد بن جریر طبری (م: ۳۱۰ ق) که در نزد ابن تیمیه اجل تفاسیر و با ارزش ترین آن هاست (۵۷) با پنج طریق شان نزول این آیه را نقل می کند، جمله‌گی این احادیث درباره امام علی - علیه السلام - است، سه حدیث نص در این معنی است (از جمله یکی از مجاهد - مجاهد بن جبر از تابعین - که ابن تیمیه او را آیت در تفسیر می شناسد (۵۸)) و دو حدیث به صورت قدر متیقن (۵۹)، سیوطی نیز حدیثی دیگر از طبری از ابن عباس نقل کرده که گفته است: شان نزول این آیات درباره امام علی - علیه السلام - است (۶۰)، لیکن هم اکنون در تفسیر طبری چنین

حدیثی نیست!!

باز همین طور ابن ابی حاتم نیز با دو سند یکی از عتبه بن ابی حکیم (از تابعین م: ۱۴۷ ق) و سلمه بن کهیل (از تابعین م: ۱۲۱ ق) این حدیث را نقل کرده است (۶۱). پس چطور ابن تیمیه می گوید: دانشمندان بزرگ از اهل تفسیر مانند ابن جریر و ابن ابی حاتم، این احادیث ساختگی را ذکر نکرده اند؟! بلکه این سند ابن ابی حاتم به سلمه بن کهیل است که تمام افراد سند آن در دیدگاه دانشمندان علم رجال اهل سنت، مورد وثاقت، صدق و راستی اند.

ابن ابی حاتم سند خود را چنین می آورد:

«حدثنا ابو سعید الاشج، حدثنا الفضل بن دکین ابو نعیم الاحول، حدثنا موسى بن قيس الحضرمی عن سلمه بن کهیل قال:

«تصدق علی بخاتمه وهو راکع فنزلت: «انما ولیکم الله». . .» . . .

«ابن ابی حاتم با این سند از سلمه بن کهیل نقل می کند که گفته است: «علی [علیه السلام] انگشتر خود را [به نیازمند] در

حال رکوع صدقه داد پس این آیه نازل شد: «انما ولیکم الله». . .» . . .

افراد این سند عبارت اند از:

الف: ابو سعید بن الاشج (م: ۲۵۷ ق).

ابو حاتم درباره او می گوید: «ثقة صدوق امام اهل زمانه؛ وی مورد اطمینان، راستگو، پیشوای عصر خود است» و النسائی می

گوید: «صدوق؛ راستگوست» برخی دیگر با جمله: «ما رایت احفظ منه؛ دانشمندتر از او ندیده ام» از او یاد کرده اند (۶۲).

ب: الفضل بن دکین ابو نعیم (م: ۲۱۹ ق).

وی از مشایخ محمد بن اسماعیل بخاری (مؤلف صحیح) می باشد. یحیی بن معین درباره او می گوید: «ما رایت اثبت من

رجلین، ابو نعیم و عفان . انسانی آگاه تر و درست از برکننده تر از ابو نعیم و عفان ندیدم « و دیگری می گوید: «ما رایت

محدثا صدق من ابی نعیم، حدیث گویی راستگوتر از ابو نعیم ندیده ام. « (۶۳)

ج: موسی بن قیس الحضرمی.

یحیی بن معین، در مورد او می گوید: «ثقة، مورد وثاقت و اطمینان است» و ابو حاتم می گوید: «لا باس به، مورد ایراد نیست

« و عبد الله بن احمد بن حنبل از پدرش نقل می کند که درباره او گفته است: «لا اعلم الا خیرا، چیزی جز نیکی درباره اش

نمی دانم» (۶۴).

د: سلمة بن كهیل (م: ۱۲۱ ق) از تابعین.

جملگی او را توثیق کرده اند از جمله: ابو زرعۀ که می گوید: «ثقة مامون ذکی، مورد وثوق، مطمئن و با هوش» ابو حاتم درباره

اش می گوید: «ثقة متقن، مورد وثوق و استوار گفتار است» (۶۵).

*هفتم:

سیوطی در در المنثور به نقل از عبد بن حمید و عبد الرزاق از ابن عباس، این حدیث را آورده (۶۶) و ابن کثیر نیز از عبد

الرزاق این حدیث را نقل کرده است (۶۷). بنابراین، کلام ابن تیمیه که می گوید افرادی مانند ابن حمید و عبد الرزاق ذکری

از این گونه احادیث به میان نیاورده اند، بی اساس است.

*هشتم:

آن مفسری که از ثعلبی آگاه تر است و احادیثی آورده که اجماع مفسران را بر نزول آیه درباره امام علی نقض می کند، کیست؟ ابن تیمیه تنها به نام ابن ابی حاتم اشاره می کند غافل از آن که همین ابن ابی حاتم همان طور که ملاحظه کردید روایت صحیح السنند در مورد نزول آیه درباره تصدق امام علی نقل کرده است و روایتی که، ابن ابی حاتم از عبد الملک بن ابی سلیمان (م: ۱۴۵ ق) از ابو جعفر الباقر - علیه السلام - نقل می کند افزون بر آن که، امام باقر هرگز نزول آیه را درباره امام علی - علیه السلام - انکار نکرده اند، این حدیث خبری واحد است و در کتاب های تراجم و رجال نیز عبد الملک از راویان امام باقر - علیه السلام - (۶۸) و امام باقر - علیه السلام - از مشایخ او (۶۹) شمرده نشده است، ابن جریر طبری و ثعلبی نیز مانند ابن ابی حاتم تنها از وی این حدیث را از امام باقر - علیه السلام - نقل کرده اند و سندی دیگر ندارد.

*نهم:

هیچ کس از بزرگان تفسیر در نزد ابن تیمیه مانند طبری، ابن ابی حاتم و دیگران به نقل از ابن عباس نگفته است رخداد تصدق انگشتر مربوط به ابا بکر است بلکه این ادعای ابن تیمیه است که به ثعلبی نسبت می دهد ، تنها خبری واحد مقطوع غریب بدون شاهد و متابع از عکرمه نقل شده که تصدق انگشتر را به ابا بکر نسبت داده است (۷۰) ، عکرمه هم در نزد بزرگان اهل سنت مورد اعتماد نیست و از همین رو مسلم بن حجاج در صحیح خود از وی هیچ روایتی جز یک حدیث آن هم برای شاهد حدیثی دیگر نقل نکرده است (۷۱) .

*دهم:

ابن تیمیه که بیهوده دست و پا می زند در آخرین نقد بر روایات شان نزول آیه درباره تصدق انگشتر به وسیله امام علی - علیه السلام - ، به روایت ابن ابی حاتم از ابن عباس، تشبث می جوید که گفته است: «کل

من آمن فقد تولى الله ورسوله والذين آمنوا، هر کس ایمان دارد، خدا و رسول و مؤمنان را به ولایت می پذیرد» غافل از آن که این حدیث ربطی به ادعای ابن تیمیه ندارد.

ابن عباس در این حدیث - بر فرض صدور - در صدد بیان این مطلب نیست که مؤمنانی که باید ولایتشان را پذیرفت چه کسانی هستند بلکه تنها در صدد بیان این نکته است، هر مؤمنی باید ولایت خدا و رسول و مؤمنان را بپذیرد، لیکن این مؤمنان چه کسانی اند، هرگز در این حدیث اشاره نشده است. البته ابن عباس در احادیث متعددی که پیش از این بیان شد، با صراحت این آیه را درباره امام علی - علیه السلام - می داند که به این معنی است، آن مؤمنان که ولی دیگران هستند جز امیر مؤمنان امام علی - علیه السلام - کسی دیگر نیست.

بنابر این، آیا موضع ابن تیمیه و پیروان او در این موارد چیزی جز تعصب خشک ویرانگر، پندارهای بی مبنا و اتهام به دانشمندان چیزی دیگر است؛ اگر ما بخواهیم با احادیث ماثور این گونه برخورد کنیم از دین چه می ماند؟
به قول علامه طباطبایی که می گوید:

«اگر درست باشد از این همه روایاتی که درباره شان نزول این دو آیه وارد شده، چشم پوشی شود و این همه دلیل های روایی نادیده گرفته شود، باید به طور کلی از تفسیر قرآن چشم پوشید؛ چه، وقتی با این همه روایات اطمینان پیدا نکنیم چگونه می توانیم به یک یا دو روایتی که در تفسیر هر کدام از آیات وارد شده است، وثوق و اطمینان پیدا کنیم؟... اگر انسان دچار عناد و مبتلا به لجاجت نباشد، روایات آن قدر هست که اطمینان آور باشد و جا برای اشکال ها و خرده گیری و تضعیف آن ها نیست.» (۷۲)

حاصل آن که، با جمع بندی احادیث در این باره به این نتیجه می رسیم: تصدق انگشتر از ناحیه امام علی - علیه السلام - در حال نماز واقعیت داشته و آیات ۵۵ و ۵۶- آیات ولایت - سوره مائده درباره این رویداد تاریخی نازل شده است. بررسی و نقد تردیدها و مناقشه ها در استدلال به این دو آیه بر امامت و زعامت امام علی - علیه السلام -، مجال دیگری می طلبد.

پی نوشت ها:

1) در منابع شیعه این رویداد، افزون بر جمع کثیری از صحابه و تابعین از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - و ائمه طاهرين:

امام علی، امام حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی الباقر، جعفر بن محمد الصادق، علی بن موسی الرضا و ابو محمد العسکری - علیهم السلام - نقل شده است.

ر . ک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۸۳-۲۰۶؛ سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص

۴۷۹-۴۸۵، محمد القمی المشهدی، کنز الدقائق، ج ۴، ص ۱۴۴-۱۵۴؛ شیخ حسین راضی، الهوامش التحقیقیة (پیوست

کتاب المراجعات)، ص ۳۸۳-۳۸۴؛ علی بن طاووس، سعد السعود، ص ۱۹۲ می گوید: «در کتاب تفسیر محمد بن العباس بن

علی بن مروان، دیدم نزول این آیه را درباره امام علی از نود طریق آورده است.»؛ محمد بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب،

وی پس از آن که می گوید: اجماع امت بر نزول این آیات درباره امام علی - علیه السلام - است، به معرفی ده ها منبع از شیعه

و سنی می پردازد که به ذکر این رخداد پرداخته اند و آن گاه شعرهایی که در این باره سروده اند، نقل می کند. ج ۳، ص ۵-

۱۴.

2) عبید الله حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۹-۲۴۸.

3) ر . ک: همان، ج ۱، ص ۲۲۶؛ ابو عبد الله حاکم نیشابوری، معرفة علوم الحدیث، ص ۱۰۲؛ علی بن عساکر، علی، تاریخ

مدینه دمشق (به تحقیق محمد باقر محمودی)، ج ۲، ص ۴۰۹، رقم ۹۱۵؛ موفق خوارزمی، المناقب، ص ۲۶۴؛ احمد بن

مردویه، وابو الشیخ، به نقل از جلال الدین سیوطی، در المنثور، ج ۳، ص ۱۰۶ و اسماعیل بن کثیر، اسماعیل، البدایة والنهایة، ج

۷، ص ۳۵۷.

4) ر . ک: عبید الله حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۳۲-۲۴۰ (وی با ۶ طریق این رویداد را از ابن عباس نقل کرده

است)؛ نصر سمرقندی (م: ۳۷۵ ق)، تفسیر السمرقندی، ج ۱، ص ۴۴۵؛ جلال الدین سیوطی، در المنثور، ج ۳، ص ۱۰۵-

۱۰۴ وی به نقل از خطیب بغدادی (از کتاب المتفق والمختلف) و عبد الرزاق (ابی بکر م: ۲۱۱ ق) و ابو الشیخ (الهنائی

الهمدانی، گفته شده نام او حیوان بن خالد است. وی از تابعین و مورد وثوق دانشمندان رجال است. ر . ک: یوسف مزی،

تهذيب الكمال، ج ۳۳، ص ۴۱۱، رقم ترجمه ۷۴۳۲) و ابو محمد عبد بن حميد ، (م: ۲۹۴ ق) واحمد ابن مردويه (م: ۴۱۰ ق) و محمد بن جرير طبري (م: ۳۱۰ ق) هر کدام با سندهای خود، اين حادثه را نقل کرده است . هم چنين: اسماعيل ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، ج ۲، ص ۷۱؛ موفق خوارزمي، المناقب، ص ۲۶۴؛ احمد واحدي، اسباب نزول القرآن، ص ۲۰۲؛ جلال الدين سيوطي، لباب النقول في اسباب النزول، ص ۱۴۸؛ فخر الدين رازي، مفاتيح الغيب (تفسير الكبير)، ج ۱۲، ص ۲۶ (با تغيير روي عن ابن عباس، از ابن عباس روايت شده) . . . ؛ احمد بلاذري، انساب الاشراف، تحقيق محمد باقر محمودي، ج ۱، ص ۵۹، حديث ۱۵۵.

(۵ر . ک: سليمان طبراني، (م: ۳۶۰ ق)، المعجم الكبير، ج ۱، ص ۳۲۰-۳۲۱، حديث ۹۵۵ و نیز به نقل از او: ابي بكر الهيثمي، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۴؛ شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۲۴۱؛ در المنثور، ج ۳، ص ۱۰۶، از ابن مردويه، و ابو نعيم (احمد بن عبد الله، م: ۴۳۰ ق).

(۶ر . ک: سليمان طبراني، المعجم الاوسط: ج ۷، ص ۱۳۰، حديث ۶۲۲۸؛ محمد جويني، فرائد السمطين (به تحقيق محمد باقر محمودي)، ج ۱، ص ۱۹۴، حديث ۱۵۳؛ شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۲۲۳؛ در المنثور: ج ۳، ص ۱۰۵ از ابن مردويه.
(۷ر . ک: شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۲۳۰؛ احمد ثعلبي، احمد، الكشف و البيان في تفسير القرآن، مخطوط، ج ۱، ورق ۷۴؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۱۹۱، حديث ۱۵۱؛ يوسف سبط بن جوزي، تذكرة الخواص، ص ۴۱ (به نقل از ثعلبي)؛ التفسير الكبير: ج ۱۲، ص ۲۶، (با تغيير روي عن ابي ذر، از ابو ذر روايت شده است. . .)

(۸ر . ک: شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۲۲۵.

(۹ر . ک: شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۲۲۵؛ اسباب نزول القرآن، ص ۲۰۱؛ جلال الدين سيوطي، لباب النقول، ص ۲۰۲.

(۱۰) شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۲۲۸.

(۱۱) احمد محب الدين طبري، الرياض النضرة، ج ۳، ص ۱۷۹.

(۱۲) عبد الرحمن بن ابي حاتم (م ۳۲۷ ق)، تفسير القرآن العظيم مسندا عن رسول الله و الصحابة و التابعين، ج ۴، ص ۱۱۶۲

حديث ۶۵۵۱؛ تاريخ مدينة دمشق، ج ۲، ص ۴۰۹، رقم ۹۱۶؛ در المنثور: ج ۳، ص ۱۰۶، لباب النقول: ص ۱۴۸؛ انساب

الاشراف، ج ۲، ص ۱۵۰، حدیث ۱۵۱.

(13) ج ۶، ص ۱۸۶؛ ابن ابی حاتم، عبد الرحمن، همان: ج ۴، ص ۱۱۶۲، حدیث ۶۵۴۹ و به نقل از وی: ابن کثیر، اسماعیل،

همان: ج ۲، ص ۷۱.

(14) نک: طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تاویل آی القرآن: ج ۶، ص ۱۸۶؛ بغوی، حسین، معالم التنزیل: ج ۲، ص

۴۷ (با تعبیر قال ابن عباس و سدی قوله تعالی انما ولیکم . . . اراد به علی بن ابی طالب، ابن عباس و سدی گفته اند که مراد از

آیه انما ولیکم، علی بن ابی طالب است.)

(15) ر. ک: طبری، محمد بن جریر، همان: ج ۶، ص ۱۸۶؛ جصاص، ابی بکر (م ۳۷۰ ق)، احکام القرآن: ج ۲، ص ۶۲۵، وی می

گوید: «از مجاهد، سدی، ابی جعفر و عتبۀ بن ابی حکیم، «روایت شده آیه «انما ولیکم الله . . .» درباره علی بن ابی طالب در

حین تصدق انگشتر به نیازمند نازل شده است.»

(16) ر. ک: طبری، محمد بن جریر، همان: ج ۶، ص ۱۸۶؛ سیوطی، جلال الدین، در المنثور: ج ۳، ص ۱۰۶ وی از عبد بن

حمید و ابن المنذر (علی بن المنذر م ۲۵۶) نقل کرده است؛ بغوی، حسین، همان: ج ۲۲، ص ۴۷؛ واحدی، علی، الوسیط فی

تفسیر القرآن المجید: ج ۲، ص ۲۰۱.

(17) ر. ک: عیاشی، محمد بن سعود، همان: ج ۲، ص ۵۷، حدیث ۱۲۹۸ و ص ۵۸، حدیث ۱۳۰۲؛ کلینی، محمد، کافی،

کتاب الحجّة، باب «ما نص الله عز وجل ورسوله علی الائمة علیهم السلام واحدا واحدا»، ج ۱، ص ۲۸۸، حدیث ۳؛ بحرانی،

هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن: ج ۱، ص ۴۷۹ و ۴۸۰، حدیث ۲ و ۳ و ۴؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار: ج ۳۵، ص ۱۰۶.

(18) اسکافی، محمد، المعیار والموازنة: ص ۲۲۸.

(19) نیشابوری، حسن، همان: ج ۶، ص ۱۶۹.

(20) ایجی، عبد الرحمن، المواقف فی علم الکلام: ص ۴۰۵ وی می نویسد: «اجمع ائمة التفسیر ان المراد علی [علیه السلام]

وللاجماع علی ان غیره غیر مراد.»

(21) آلوسی، محمود، همان: ج ۴، ص ۲۴۵.

22) همان، و نیز ر. ک: جوینی، محمد، همان: ج ۱، ص ۱۹۰.

23) سیوطی، جلال الدین، لباب النقول: ص ۱۴۸.

24) ابن حجر عسقلانی، احمد، الکافی الشافی فی تخریج احادیث الکشاف (ذیل تفسیر کشاف زمخشری): ج ۱، ص ۶۴۹.

25) ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم: ج ۲، ص ۶۹. «ابن مردویه از دانشمندان نامور اهل سنت در قرن چهارم و

اوایل قرن پنجم (م: ۴۱۰ ق) است، «شمس الدین ذهبی» درباره وی نوشته است: «الحافظ المجدد العلامة المحدث اصبهان ..

. و کان فرسان الحدیث فهما، یقطا، متقنا ...». سیر اعلام النبلاء: ج ۱۷، ص ۳۰۸، رقم ترجمه ۱۸۸، «عبد الرزاق بن همام»

نیز از دانشمندان بزرگ قرن دوم و سوم (م: ۲۱۱ ق) به شمار می آید. «شمس الدین ذهبی» درباره وی می گوید: «الحافظ

الکبیر عالم الیمن ... الثقة الشیعی»، سیر اعلام النبلاء: ج ۹، ص ۵۶۳، رقم ترجمه ۲۲۰.

26) ابن کثیر، اسماعیل، همان: ج ۲، ص ۶۹.

27) ابن کثیر، اسماعیل، همان: ج ۲، ص ۶۹ و نیز ر. ک: طبری، ابن جریر، همان: ج ۶، ص ۱۷۸-۱۷۹.

28) ابن کثیر، اسماعیل، همان: ج ۲، ص ۶۹؛ طبری، محمد بن جریر، همان: ج ۶، ص ۱۷۸.

29) همان: ج ۲، ص ۱۶۹؛ طبری، محمد بن جریر، ج ۶، ص ۱۷۸ و ص ۱۸۶.

30) طبری، محمد بن جریر، همان: ج ۶، ص ۱۷۸.

31) همان: ج ۶، ص ۱۷۸-۱۷۷.

32) همان، ج ۶، ص ۱۸۶.

33) ر. ک: واحدی، احمد، همان: ص ۲۰۰-۲۰۱؛ لباب النقول فی اسباب النزول، ص ۱۴۷.

34) ابن تیمیه نیز در این باره بدون هیچ تاملی در منابع و مدارک چنین نوشته است: «... تمام مفسران در همه اعصار آیات

۵۵ و ۵۶ سوره مائده را درباره عباده بن صامت می دانند. !! منهج السنه، ج ۴، ص ۵.

35) رازی، فخر الدین، همان: ج ۱۲، ص ۲۶.

36) رازی، فخر الدین، همان: ج ۱۲، ص ۲۶.

37) نک: حسکانی، عبیدالله، همان: ج ۱، ص ۲۲۴ حدیث ۲۳۲ و ص ۲۳۲، حدیث ۲۳۶ و ۲۳۷؛ سیوطی، جلال الدین، همان:

ج ۳، ص ۱۰۴.

38) مانند، محمد حسین ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۱۰۵ (پیش از این عبارت ذهبی را ملاحظه کردید) شاکر

احمد، نیز می گوید: این از بافته های شیعه است که می خواهد با تاویل قرآن بازی کند و به علی - کرم الله وجهه - فضایل و

مناقبی که ثابت نیست، نسبت دهد. «العمدة، ج ۲، ص ۵۰.

39) به طور نمونه ر. ک: ناصر قفاری، اصول مذهب الشیعة، ج ۲، ص ۶۷۹.

40) احمد ابن تیمیه، منهاج السنة النبویة: ج ۴، ص ۵.

41) همان: ج ۴، ص ۵-۹.

42) اسماعیل ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم: ج ۲، ص ۶۹.

43) همان، ج ۲، ص ۶۹.

44) محمد شوکانی، فتح القدير: ج ۲، ص ۵۱.

45) ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون: ج ۲، ص ۱۰۵.

46) محمد شاکر، احمد، عمدة التفسیر عن الحافظ ابن کثیر: ج ۲، ص ۵۰.

47) نیشابوری، حسن، همان: ج ۶، ص ۱۶۹.

48) حسکانی، عبیدالله، همان: ج ۱، ص ۲۳۰.

49) جوینی، محمد، همان: ج ۱، ص ۱۹۱، حدیث ۱۵۱.

50) رازی، فخر الدین، همان: ج ۱۲، ص ۲۶.

51) احمد ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۱، ص ۷۹، رقم ترجمه ۳۱.

52) تاج الدین سبکی، طبقات الشافعية، ج ۴، ص ۵۸، رقم ترجمه ۲۶۷.

53) صلاح الدین صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۷، ص ۳۰۶، رقم ترجمه ۳۲۹۹.

- 54) جلال الدين سيوطي، طبقات المفسرين، ص ١٧.
- 55) محمد بن الجزري، غاية النهاية في طبقات القراء، ج ١، ص ١٠٠، رقم ترجمه: ٤٤٢.
- 56) مسعود بغوي، تفسير البغوي (معالم التنزيل)، ج ٢، ص ٤٧.
- 57) ابن تيميه، التفسير الكبير، ج ٢، ص ٢٢٨.
- 58) همان، ص ٢٣٧.
- 59) نك: طبري، محمد بن جرير، همان، ج ٦، ص ١٨٦.
- 60) الدر المنثور، ج ٣، ص ١٠٥.
- 61) ر. ك: ابن ابي حاتم، عبد الرحمن، همان، ج ٤، ص ١١٦٢، حديث ٦٥٤٧ و ٦٥٥١.
- 62) ر. ك: مزي، يوسف، تهذيب الكمال في اسماء الرجال: ج ١٥، ص ٢٧، رقم ترجمه ٣٣٠٣.
- 63) همان، ج ٢٣، ص ١٩٧، رقم ترجمه ٤٧٣٢.
- 64) همان، ج ٢٩، ص ١٣٤، رقم ترجمه ٦٢٩٣.
- 65) همان، ج ١١، ص ٣١٣، رقم ترجمه ٢٤٤٧.
- 66) در المنثور، ج ٣، ص ١٠٥.
- 67) ابن كثير، اسماعيل، همان: ج ٢، ص ٧١.
- 68) ر. ك: مزي، يوسف، همان، ج ١٨ ص ٣٢٢، رقم ترجمه ٣٥٣٢.
- 69) ر. ك: همان، ج ٢٦، ص ١٣٨، رقم ترجمه ٥٤٧٨.
- 70) ر. ك: رازي، فخر الدين، همان، ج ١٢، ص ٢٦؛ آلوسي، محمود، همان: ج ٤، ص ٢٤٦.
- 71) محمود ابو ريه، محمود، اضواء على السنة المحمديه، ص ٣١٠.
- 72) محمد حسين طباطبايي، الميزان في تفسير القرآن، ج ٦، ص ٨.

منابع و مأخذ:

قرآن كريم

ابو بكر احمد الرازى (الجصاص)، احكام القرآن، تحقيق: صدقى محمد جميل، مكه، المكتبة التجارية، /بى تا.

على بن احمد الواحدى، اسباب نزول القرآن، تحقيق: كمال زغلول، چاپ اول، دار الكتب العلمية، ١٤١١ ق.

ناصر بن عبد الله القفارى، اصول مذهب الشيعة الامامية الاثنى عشرية، چاپ دوم، رياض ١٤١٥ ق.

محمود ابوريه، اضواء على السنة المحمدية، قم، انتشارات انصاريان، ١٤١٦ ق.

احمد البلاذرى، انساب الاشراف، تحقيق: محمد باقر المحمودى، چاپ دوم، قم، مجمع احياء التراث، ١٤١٦ ق.

علامه مجلسى، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار، تهران، دار الكتب الاسلامية، ١٣٦٣ ش.

اسماعيل ابن كثير الدمشقى، البداية والنهاية، تحقيق: احمد ابو ملحوم و ديگران، بيروت، دار الكتب العلمية، بى تا.

سيد هاشم البحرانى، البرهان فى تفسير القرآن، قم، مؤسسة مطبوعاتى اسماعيليان، بى تا.

ابن عساکر، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: محمد باقر المحمودى، بيروت، مؤسسة المحمودى، ١٣٩٨ ق.

سبط ابن الجوزى، تذكرة الخواص، بيروت، مؤسسة اهل البيت، ١٤٠١ ق.

اسماعيل بن كثير الدمشقى، تفسير القرآن العظيم، بيروت، دار المعرفة، ١٤٠٢ ق.

عبد الرحمن بن محمد ابن ابى حاتم، تفسير القرآن العظيم مسندا عن رسول الله والصحابة والتابعين، تحقيق: اسعد محمد

الطيب، چاپ دوم، بيروت، المكتبة العصرية، ١٤١٩ ق.

احمد بن تيميه، تفسير الكبير، تحقيق: عبد الرحمن عميره، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٨ ق.

محمد حسين الذهبى، التفسير والمفسرون، چاپ دوم، بى جا، ١٣٩٦ ق.

ابو الحجاج يوسف المزى، تهذيب الكمال فى اسماء الرجال، تحقيق: بشار عواد، چاپ دوم، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٢ ق.

محمد بن جرير الطبرى، جامع البيان عن تاويل آى القرآن، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٨ ق.

عبد الرحمن جلال الدين السيوطى، الدر المنثور فى التفسير بالمأثور، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٣ ق.

احمد بن عبد الله الطبري، رياض النظره في مناقب العشرة، تخريج: عبد المجيد طعمه حلبى، چاپ اول، بيروت، دار المعرفة،

١٤١٨ ق.

على بن الطاووس العلوى، سعد السعود للنفوس، تحقيق: فارس تبريزيان، چاپ اول، قم، انتشارات دليل، ١٤٢١ ق.

محمد بن احمد الذهبى، سير اعلام النبلاء، تحقيق شعيب الارنؤوط، چاپ چهارم، بيروت، مؤسسه الرساله، ١٤٠٦.

عبيد الله الحاكم الحسكاني، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تحقيق: محمد باقر المحمودى، چاپ دوم، قم، مجمع احياء الثقافه

الاسلاميه، ١٤١١ ق.

تاج الدين السبكي، طبقات الشافعيه الكبرى، تحقيق: عبد الفتاح محمد الحلو، بيروت، دار احياء الكتب العربيه، بى تا.

جلال الدين السيوطى، طبقات المفسرين، بيروت، دار الكتب العلميه، بى تا.

احمد محمد شاكر، عمده التفسير عن الحافظ ابن كثير، قاهره، مكتبة التراث الاسلامى، بى تا.

محمد بن الجزرى، غايه النهايه فى طبقات القراء، چاپ اول، مصر، مكتبة الخانجى، ١٣٥١ ق.

محمد بن على الشوكانى، فتح القدير الجامع بين فنى الروايه والدرايه من علم التفسير، بيروت، دار المعرفة، بى تا.

محمد بن اسحاق الكلينى، الكافى، تصحيح: على اكبر الغفارى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٨٨ ق.

احمد بن حجر عسقلانى، الكافى الشافى فى تخريج احاديث الكشاف (ذيل تفسير كشاف زمخشرى)، قم، نشر ادب الحوزه، بى تا

احمد بن محمد الثعلبى، الكشف والبيان فى تفسير القرآن، مخطوط، مكتبة آية الله المرعشى النجفى.

محمد بن محمد رضا القمى المشهدى، كنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقيق: حسين درگاهى، چاپ اول، طهران، انتشارات اسوه،

١٤١١ ق.

جلال الدين السيوطى، لباب النقول فى اسباب النزول، تصحيح: بديع السيد اللحام، چاپ اول، بيروت، دار الهجرة، ١٤١٠ ق.

على بن ابى بكر الهيثمى، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، چاپ دوم، بيروت، دار الكتاب العربى، ١٤٠٢ ق.

حسين بن مسعود الفراء البغوى، معالم التنزيل (تفسير البغوى)، تحقيق: خالد عبد الرحمن العك، چاپ دوم، بيروت، دار

المعرفة، ١٤٠٧ ق.

سليمان احمد الطبراني، المعجم الوسيط، تحقيق: محمد الطحان، چاپ اول، الرياض، مكتبة المعارف، ١٤٠٥ ق.

سليمان احمد الطبراني، المعجم الكبير، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، چاپ دوم، بيروت، دار احياء التراث، بی تا.

ابو عبد الله الحاكم النيسابوري، تحقيق: معظم حسين، چاپ دوم، المدينة، المكتبة العلمية، ١٣٩٧ ق.

فخر الدين الرازي، مفاتيح الغيب (التفسير الكبير)، چاپ سوم، بيروت، دار احياء التراث العربي، بی تا.

الموفق بن احمد الخوارزمي، المناقب، تحقيق: مالك المحمودي، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ١٤١١ ق.

ابو العباس احمد بن تيمية، منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة القدرية، بيروت، دار الكتب العلمية، بی تا.

عبد الرحمن ايجي، المواقف في علم الكلام، بيروت، عالم الكتب، بی تا.

محمد حسين الطباطبائي، الميزان في تفسير القرآن، قم، منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، بی تا.

شيخ حسين الرازي، الهوامش التحقيقية (الملحق بكتاب المراجعات)، چاپ دوم، قم، المجمع العالمي لاهل البيت، ١٤١٦ ق.

صلاح الدين الصفدي، الوافي بالوفيات، بيروت، دار النشر، بی تا.

احمد بن خلکان، وفيات الاعيان، چاپ دوم، قم، منشورات الشريف الرضي، ١٣٦٤ ش.

منبع:

مركز اطلاع رسانی آل البيت/مجله طلوع؛ بهار ١٣٨١، شماره ١